گزارش یک

کبری آسوپار

اراذل و اوباش در نقش پیاده‌نظام ضدانقلاب

براندازان چگونه از خوی آشوب‌طلبی اوباش برای ایجاد خشونت در ایران بهره می‌برند

قتل یک طلبه مقابل در حوزه علمیه می‌توانست صرفاً یک خبر در صفحه حوادث و لابه‌لای اخبار جنایات دیگر باشد اما پخش شدن اطلاعات هویتی قاتل و عقاید او از طریق صفحه‌ای که در اینستاگرام دارد، خیلی زود این خبر را به صفحات سیاسی رسانه‌ها رساند؛ قاتل انگیزه‌هایی سیاسی برای این قتل داشته است.

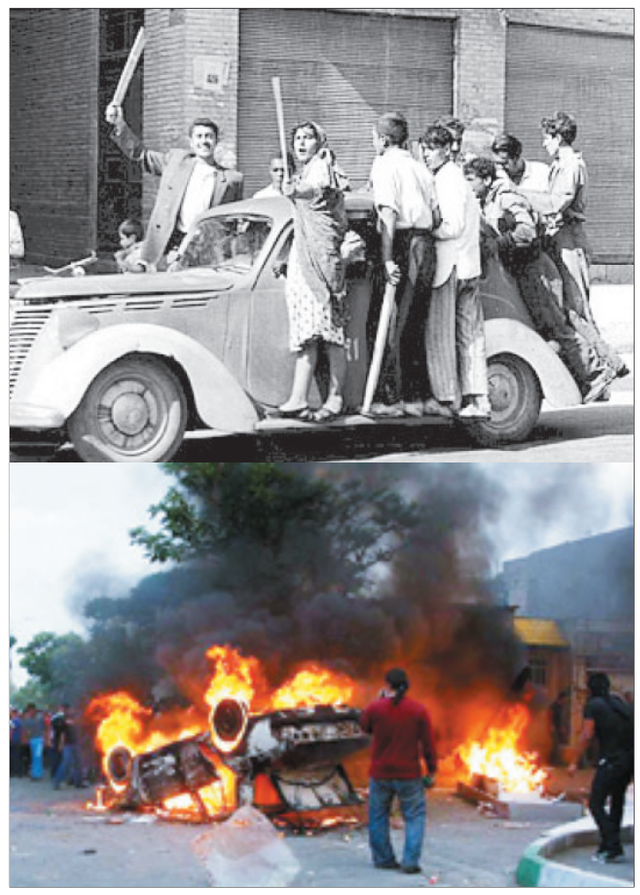

آخرین نمونه وندالیسم یا اوباشی‌گری را می‌توان در آشوب‌های دی ماه ۹۶ دید که با سوءاستفاده از دغدغه‌های معیشتی مردم، عده‌ای سازماندهی شده به مراکز نیروی انتظامی و حتی نیروهای آتش‌نشانی حمله کردند و صحنه‌هایی تلخ از آشوب و اغتشاش و قتل هموطنان‌مان را به نمایش گذاشتند

انگیزه‌های سیاسی یک قاتل

بهروز حاجیلو قاتلی است که حجت‌الاسلام مصطفی قاسمی را روز شنبه مقابل حوزه علمیه همدان با شلیک گلوله‌های متعدد از داخل ماشین به قتل رساند. او همان زمان یک استوری در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و این پیام را در آن نوشت که «الانم یک آخوند را به درک واصل کردم، همدان، خیابان شهدا» از همین پیام روشن است که برای قاتل «آخوند بودن» بزرگ‌ترین گزاره هویتی فردی است که او کشته و دلیل قتل هم همین است. علاوه بر این، او پست‌هایی در اینستاگرام دارد که حاوی فحاشی به مسئولان نظام و تهدید به قتل و خشونت همراه با ژست‌های مختلف با اسلحه‌های مختلف است؛ پست‌هایی که از دید پلیس فضای مجازی ایران دور مانده و به قاتل و امثال او جرئت و جسارت بخشیده تا خشونت کلامی خود در فضای مجازی را به خشونت فیزیکی در فضای حقیقی مبدل کند و نام آن را مبارزه با نظام اسلامی بگذارد.

ماجرا اما فقط همین نیست. یکی از دوستان بهروز حاجیلو ویدئویی منتشر کرده و ضمن تقدیر از قتل کسی که او را «یک آخوند کثیف» می‌نامد، می‌گوید که این قتل در مسیر انقلاب برای تغییر نظام جمهوری اسلامی است. او از شاهزاده! هم نام می‌برد.

زمینه‌سازان خشونت‌های خونین در ایران

ویدئویی که این فرد از خود پخش کرده، حاوی نکته دیگری هم است. او می‌گوید دلیل این قتل فتوایی است که این روحانی داده و در آن زنان ایرانی را دعوت کرده که به عقد موقت نیروهای حشدالشعبی در ایران دربیایند و آن را «جهاد نکاح» نامیده است. ماجرا چه بود؟ براندازان یک اکانت تقلبی با عکس و اسم یک طلبه سید در توئیتر ساختند و از قول او این درخواست را از زنان ایرانی در مورد نیروهای حشدالشعبی مطرح و خود این توئیت را پخش کردند؛ توئیتی که برای هر کسی با ذره‌ای تعقل روشن بود که تقلبی و ساختگی است. این توئیت تکه‌های دیگر آن را پیش از این مجاهدین خلق است. «رژیم آخوندی» کلیدواژه ثابتی است که به شعبون بی‌مخ سازماندهی کرده بودند، به خیابان ریختند. زنان معلوم‌الحال خانه‌های فساد و کاباره‌های تهران هم کمک حال نیروهای شعبون برای آشوب و اغتشاش در شهر و علیه دولت مصدق بودند. آنها با همین آشوب و اغتشاش دولت قانونی یک ملت را سرنگون کردند. در ارتباطات شعبون بی‌مخ با دربار پهلوی نشانه‌هایی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. آنها ابتدا از حمله به دفاتر روزنامه‌های حامی مصدق شروع کردند و در نهایت به منزل نخست وزیر مصدق حمله کردند. شعبان جعفری معروف به شعبون بی‌مخ، در ۲۸ مرداد در زندان بود، اما اردشیر زاهدی چون به اوباشی‌گری او برای سرنگونی مصدق نیاز داشت، او را در ۲۸ مرداد ۳۲ آزاد کرد.

این قسمت از مصاحبه روزنامه جوان با بنکدار تهرانی، از فعالان نهضت ملی نفت نحوه فعالیت این اوباش را نشان می‌دهد: «شعبان اجیر آنها بود، برای همین دکتر فاطمی و مهندس حسیبی برایش گل‌ریزان گرفتند و ۲۵هزار تومان جمع کردند که آن روزها پول سه تا خانه می‌شد! شعبان هم ما به ازای این خوش‌خدمتی‌ها با لات‌های مزدبگیرش می‌ریخت در روزنامه‌های مخالف دکتر فاطمی و مصدق و آنجا را زیر و رو می‌کرد، البته شعبان شعور سیاسی که نداشت و هر جا به او پول بیشتری می‌دادند، می‌رفت، برای همین هم از دربار سردرآورد، چون پول بیشتری به او می‌دادند. عقل درستی هم نداشت. خودش برایم تعریف کرد که وقتی مدرسه می‌رفت، بچه‌ها برای بیرون رفتن از کلاس از معلم اجازه می‌گرفتند، اما او سرش را پایین می‌انداخت و می‌رفت بیرون. وقتی بچه‌ها اعتراض می‌کردند، معلم می‌گفت کاری‌اش نداشته باشید، شعبان مخ ندارد! از همان موقع بود که لقب شعبان بی‌مخ روی ما ماند. خلاصه کار و بار شعبان در دربار گرفت و هر وقت هم به زندان می‌افتاد، شاه فوراً او را بیرون می‌آورد و حتی وساطت‌هایش را قبول می‌کرد، از جمله اینکه در جریان اعدام افسران توده‌ای، وساطت کرد و نامه خانواده‌های آنها را به دست شاه رساند و شاه هم دستور داد حقوق ماهانه و حتی حقوق‌های معوقه افسران اعدام‌شده را به خانواده‌هایشان پرداخت کنند. در دربار حسابی حرفش را می‌خواندند.»

اراذل و اوباشی که امروز پیاده نظام ضدانقلاب می‌شوند، در همین حد «بی مخ» هستند، توان بالایی ندارند و صحبت از تغییر رژیم توسط آنان یک شوخی متوهمانه است، اما نباید نسبت به خشونت کوری که ایجاد می‌کنند و زمینه‌سازان این خشونت پیاده نظام مخالف جمهوری اسلامی که اهل مطالعه و تعقل نیستند، می‌گوید که هر مشکلی است، از آخوندهاست!

استفاده از اوباشی‌گری اراذل برای مبارزه با نظام

وندالیسم یا اوباشی‌گری از شیوه‌هایی است که بارها علیه انقلاب اسلامی و علیه مبارزات مردم ایران برای آزادی به کار گرفته شده و آخرین نمونه آن را می‌توان در آشوب‌های دی ماه ۹۶ دید که با سوءاستفاده از دغدغه‌های معیشتی مردم، عده‌ای سازماندهی شده به مراکز نیروی انتظامی و حتی نیروهای آتش‌نشانی حمله کردند و صحنه‌هایی تلخ از آشوب و اغتشاش و قتل هموطنان‌مان را به نمایش گذاشتند. مجاهدین خلق (منافقین) سال‌هاست تلاش می‌کند با بازآفرینی، چهره تروریستی خود را با نقابی از مخالفت مدنی بپوشاند، از همین رو از انجام ترورهایی همچون آن چیزی که در دهه ۶۰ انجام می‌داد، پرهیز کرده و با ساماندهی اراذل و اوباش تلاش می‌کند که آنها ابزار آشوبش باشند. افراد لات و سطح پایینی که با کمی پول و القاهای سیاسی مزدور و مجری سلطنت‌طلب‌ها و منافقین می‌شوند. یک نمونه دیگر اوباش موسوم به ری‌استارت بودند که با آشوب و اغتشاش ژست تلاش برای تغییر نظام می‌گرفتند.

این اتفاق در تاریخ پیش از انقلاب اسلامی سال ۵۷ هم برای مبارزه با قیام آزادی‌خواهانه مردم ایران مسبوق به سابقه است. بعد از ظهر ۲۸ مرداد ۳۲ بود که دولت امریکا و دربار پهلوی ناامید از به زانو درآوردن دولت قانونی مصدق اوباشی را که با کمک و برانداز و سلطنت‌طلب‌ها با اعتراض به حضور حشدالشعبی در مناطق سیل‌زده کامل کرده بودند. آنها در این مسیر تنها نبودند و این نژادپرستی به اعتراض توئیتری دو نماینده مجلس هم کشیده شد که معتقد بودند ایران نباید کمک حشدالشعبی را می‌پذیرفت. تکه بعدی پازل دروغ صیغه زنان ایرانی با مردان حشدالشعبی با یک اکانت فیک و سوءاستفاده از عکس و عنوان یک طلبه بود. ایجاد تنفر از روحانیت هم که سال‌هاست پای ثابت رسانه‌های ضدانقلاب و منافقین و سلطنت‌طلب با کمک مهناز افشار، بازیگر پرحاشیه سینما که آن را در صفحه شخصی‌اش در توئیتر قرار داد، بیشتر و بیشتر دیده شد. افشار که پیش از این به دلیل واکنش نژادپرستانه‌اش به کمک عراقی‌ها به سیل‌زدگان ایرانی شدیداً مورد انتقاد بود، کوشید برای آن نژادپرستی مبتذل و سخیف به کمک این توئیت تقلبی باب توجیهی باز کند و بگوید که آیا متوجه شدید من حق داشتم که نسبت به کمک عراقی‌ها معترض شدم؟ مهناز افشار فقط بخشی از پازل خشونت سیاسی را تکمیل کرد؛ پازلی که روشن بود که تقلبی و ساختگی است. این توئیت

چهره

عضو شورای مرکزی رهپویان:

استانی شدن انتخابات مانع گردش نیروی انسانی در مجلس می‌شود

استانی شدن انتخابات به سود سرمایه‌دارانی تمام می‌شود که با پرداخت هزینه شرکت کاندیداها در انتخابات، در نهایت نقش بالایی در قانونگذاری ایفا می‌کنند.

پرویز سروری، عضو شورای مرکزی رهپویان در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به مصوبه اخیر مجلس مبنی بر استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی و با بیان اینکه استانی شدن انتخابات با توجه به عدم فراهم بودن زیرساخت‌ها، در نهایت تبعات زیانباری را به همراه خواهد داشت، تصریح کرد: استانی شدن انتخابات در کشوری که هنوز ظرفیت قابل ملاحظه‌ای در حوزه تحزب ندارد و فعالیت احزاب بیشتر انتخاباتی و مقطعی است، در نهایت به سود سرمایه‌دارانی تمام می‌شود که با پرداخت هزینه شرکت کاندیداها در انتخابات، می‌توانند نقش‌آفرینی بالایی در قانونگذاری داشته باشند. عضو شورای مرکزی جمعیت رهپویان ادامه داد: همچنین استانی شدن انتخابات، ورود افراد غیر مشهور به مجلس را تقریباً غیرممکن کرده و نتیجه انتخابات را به دست اشخاصی می‌اندازد که از قبل دارای قدرت رسانه‌ای بوده و سابقه حضور در مناصب مختلف حکومتی را در پرونده دارند، به عبارتی دیگر گردش نیروی انسانی در مجلس قانونگذاری کشور متوقف می‌شود، همچنین مردم نیز دیگر انگیزه چندانی برای شرکت در انتخابات ندارند چراکه احساس می‌کنند کاندیداهای حاضر در شهر متبوعشان نیاز به جلب نظر آنها برای موفقیت در انتخابات ندارند.

سروری اظهار داشت: پایه رأی ۱۵درصد برای کاندیداها، معیار مناسبی برای ورود به عرصه انتخابات نیست چراکه اکثر کاندیداها قادر به کسب این تعداد رأی هستند و طبیعتاً نهایت تلاش خود را برای جلب آرای واجدین مراکز استان‌ها به کار می‌بندند که این موضوع موجب کاهش توجه کاندیداها به شهرستان‌های کم‌جمعیت می‌شود، بنابراین در حال حاضر شرایط کنونی کشور به هیچ وجه آماده استانی شدن انتخابات مجلس نیست.

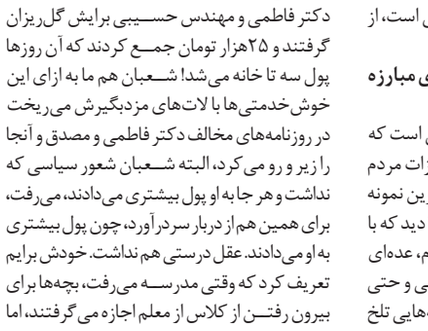

گزارش ۲

محمد اسماعیلی

اظهار ناامیدی تحلیلگران غربی نسبت به سودمند بودن فشارها بر جمهوری اسلامی ایران

چتر ناکامی بر سیاست‌های ضدایرانی غرب

بر اساس آنچه طی یک سال اخیر اتفاق افتاده است ایالات متحده امریکا و بسیاری از تحلیلگران و کنشگران سیاسی در این کشور از اثربخشی تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه کشورمان بسیار ناامید شده‌اند و خروجی افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی ایران را تقریباً نزدیک به هیچ برآورد می‌کنند.

«خروج از برجام»، «بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای»، «افزایش تحریم‌های غیرهسته‌ای»، «وارد کردن شوک به افکارعمومی داخلی بر اساس اطلاعات اشتباهی که درباره میزان فساد و رانت به آنها داده شد»، «تلاش برای به صفر رساندن فروش نفت ایران»، «تروریست خواندن سپاه»، «تلاش برای ناامن کردن مرزهای جغرافیایی و افزایش حملات تروریستی در داخل کشور» و «سخن گفتن از احتمال حمله نظامی به ایران» و «تلاش برای همراه‌سازی جامعه ایرانی با خود در تریبون‌های رسمی» تنها بخشی از تلاش‌های ایالات متحده امریکا جهت تقابل با جمهوری اسلامی ایران طی یک سال اخیر (بعد از خروج ایالات متحده از برجام) بوده است.

مهم‌ترین خروجی فعالیت‌های ضدایرانی گسترده غرب (از اردیبهشت ماه سال گذشته تاکنون) را می‌توان «ناامیدی غرب از سودمند بودن فعالیت‌های ضدایرانی» دانست؛ ناامیدی‌ای که امروز به مرز اعتراف رسیده و از رسانه‌های امریکایی و تحلیلگران این کشور به حلقه‌های نخست کاخ سفید نیز رسوخ پیدا کرده است.

هفته گذشته بود که وندی شرمن معاون وزیر امورخارجه سابق امریکا به صراحت تأکید کرد افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی اساساً نتیجه‌ای برای امریکایی‌ها به همراه نخواهد داشت و شنبه اخیر نیز نشریه فارین پالیسی در تحلیلی به عدم سودمند بودن فشارهای ضدایرانی برای امریکا پرداخت و در بخشی از تحلیل خود نوشت: «در کوتاه‌مدت، تاکتیک فشار تا حد زیادی کارگر خواهد بود و می‌تواند با موفقیت بخش قابل توجهی از صادرات نفت ایران را متوقف سازد. خریداران بزرگ در تعداد زیادی از کشورها که همچنان در حال انجام معاملات نفتی با ایران هستند یا در نهایت تسلیم خواهند شد یا جریمه شده و فریادشان بلند می‌شود و در آخر هم ناگهانی ناپدید می‌شوند. بعید به نظر می‌رسد، این خریداران به دلیل نبود گزینه‌های ارزان قیمت و قابل دسترس‌تر از نفت ایران، خرید خود را به صفر برسانند که این یعنی احتمال مجوز ایالات متحده امریکا برای کاستن از سرعت عقب نشینی آنها از خرید نفت و تن دادن به کله‌شقی آنها اما این خریداران احتمالاً از نقض آشکار تحریم‌های ایالات متحده طفره رفته و از خودکشی‌های مالی و اعتباری خودداری می‌کنند.»

سیاست ضدایرانی ترامپ با کمترین قدرت اثرگذاری

این نشریه امریکایی در ادامه تأکید می‌کند که سیاست‌های ضدایرانی دولت دونالد ترامپ به بن بست خواهد رسید و عملاً مهم‌ترین سیاست این روزهای دولت امریکا مبنی بر به صفر رساندن نفت ایران نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت: «ایالات متحده صرف نظر از اینکه چقدر نیازمند کارایی این سیاست فشار باشد، احتمالاً نمی‌تواند همه نقض کننده‌های تحریم‌های ایران را مجازات کند. واشنگتن نمی‌تواند روی همان تسهیم اطلاعات بین‌المللی و کمک‌های اجرایی که در دوره ۲۰۱۵- ۲۰۱۲ تحریم‌های شدید ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت، حساب کند. همچنان که بخشی از نفت ایران راه خود را به بازار پیدا می‌کند، ناظران می‌توانند به این نتیجه برسند که تحریم‌های ایالات متحده آن همه هم سفت و سخت نیست که می‌تواند انگیزه‌ای برای عبور یا نقض آن باشد. این باعث می‌شود سیاست ترامپ در برابر ایران کمتر مؤثر باشد.»

طرح: حسین کشتکار|جوان

روزنامه واشنگتن پست نیز روز گذشته در سرمقاله خود به همین مسئله اشاره کرده و نتیجه بخش بودن رفتار کنونی امریکا در قبال ایران را تقریباً غیرممکن دانسته است، این روزنامه امریکایی در این باره می‌نویسد: «... بعید است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از عراق و سوریه عقب نشینی کند. مقام‌های ارشد دولت ترامپ به روشنی امیدوارند که فشار تحریم‌های جدید به تغییر رژیم بینجامد اما واشنگتن از سال ۱۹۷۹ تاکنون در انتظار چنین ضدانقلابی بوده است. هر گونه دستاورد فشار بر ایران با هزینه‌هایی تازه همراه خواهد بود. احتمال از سر گرفته شدن حملات به اهداف امریکا در عراق و سوریه یا به چالش کشیدن ناوگان دریایی محدود امریکا در خلیج فارس وجود دارد. احتمال از سر گرفته شدن برنامه هسته‌ای ایران می‌رود؛ اقدامی که دولت ترامپ را گذشته از اقدام نظامی با گزینه‌هایی اندک روبه‌رو می‌کند. اگر نتیجه نهایی این باشد، تصمیم پرزیدنت ترامپ در خروج از برجام نتیجه معکوس داشته است.»

اظهار ناامیدی تحلیلگران نسبت به آینده فشارها بر ایران

در کنار اظهار رسانه‌های مشهور غربی به فاقد نتیجه بودن سیاست‌های ضدایرانی دولت و کنگره امریکا، بسیاری از تحلیلگران برجسته نیز طی هفته‌های اخیر نسبت به این مسئله واکنش نشان داده و سیاست‌های اخیر امریکا در قبال ایران را کمافی‌السابق خالی از دستاورد دانسته‌اند، به عنوان نمونه باربارا اسلاوین کارشناس مسائل ایران در شورای آتلانتیک در واشنگتن گفت: «شرایط در مقایسه با سال ۲۰۱۲ میلادی تغییر کرده است. اکنون دیگر جامعه جهانی در کنار امریکا نیست. ما در شرایطی به سر می‌بریم که دولت ترامپ تلاش می‌کند جامعه بین‌الملل را به پایبندی به سیاست‌هایش مجبور کند در حالی که بیشتر کشورها این سیاست‌ها را قبول ندارند، بنابراین نظام ایران در مرحله اول پیروز شده و برگ برنده‌هایی را که در نتیجه توافق هسته‌ای به دست آورده بود تقویت کرده است و اکنون در عرصه بین‌المللی به این کشور به عنوان یک بازیگر اساسی نگاه می‌شود.»

همچنین پیتر هاریل کارشناس برجسته مرکز «نیو امریکن سکیوریتی» در واشنگتن در این باره می‌گوید: «کشورهایی مثل چین و هند که به نفت ایران نیاز مبرمی دارند احتمال دارد از طریق ایجاد شرکت‌های کوچکی در امریکا که منافع تجاری ندارند برای دور زدن تحریم‌ها تلاش کنند. این کشورها از طریق این شرکت‌ها می‌توانند نفت ایران را بخرند، بنابراین تحریم‌های ثانوی و قرار دادن این شرکت‌ها در لیست سیاه وزارت خزانه‌داری امریکا برای مجازات آنها، نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت.»

بیشتر از آنکه مؤسسات تحقیقاتی امریکایی یا رسانه‌های این کشور نسبت به آینده فشارها بر جمهوری اسلامی ایران ناامید باشند، خود مقامات کاخ سفید به این نقطه و نتیجه رسیده‌اند اما ناچارند برای زنده نگه داشتن امیدهای یک جریان داخلی، به جای پذیرش شکست ضمن کوبیدن بر طبل مذاکره- جنگ از افزایش فشارها بر ایران گفته و از تغییر رفتار ایران در آینده‌ای مبهم سخن به میان بیاورند و این همان تجربه ۴۰ساله غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران است که در دوره رؤسای مختلف ایالات متحده امریکا تکرار شده است.

دنیای مجازی

ماجرای حمله به طلبه همدانی از کجا شروع شد؟

محسن مهدیان تحلیلگر مسال سیاسی در کانال تلگرامی خود نوشت:

یکم: یک نفر از اراذل، ظهر دیروز یک طلبه را در مقابل حوزه علمیه همدان مورد اصابت گلوله قرار داد و بعد هم با افتخار در اینستاگرام خبر این جنایت را اعلام کرد. طی دو سال گذشته چند عنوان خبر مشابه داشته‌ایم. باور کنیم این ماجرا یک حادثه فرعی است؟ ساده‌انگاری نیست؟

دوم: روز گذشته فیلمی از تعدادی روحانی در حال تمرین شعرهای کودکانه منتشر شد که بلافاصله مورد تمسخر رسانه‌های ضدانقلاب قرار گرفت. چرا؟ این طلبه‌ها برای ارتباط تربیتی با کودکان شعر تمرین می‌کردند، چه نکته‌ای باعث شده بود ضدانقلاب عصبانی شود؟

سوم: از همان روز اول در ماجرای سیل خوزستان، برخی در داخل و خارج از عمامه به سر گذاشتن طلبه‌ها حین امداد به سیل زده‌ها شکایت کردند. چرا؟ علت این دندون قروچه‌ها چیست؟

ماجرا در نشانه‌گذاری است. ما در جنگ نشانه‌ها به سر می‌بریم؛ جنگ‌های نمادی که نیابتی عمل می‌کنند و دارای یک پشتوانه عمیق مبارزاتی‌اند.

این روزها با «فراتر از آخوند» مواجهیم. عبا و عمامه چیست؟ تنها لباس طلبگی؟ لباس دین؟ آیا کارکردی شبیه لباس پزشکی دارد؟ اینطور نیست. لباس دین امروز کارکردی فراتر از یک هویت ساده صنفی دارد. آخوند در این کشور نماد اسلام سیاسی است، بخواهد یا نخواهد. عبا نشانه یک «دین سیاسی» است. همانطور که چادر نیز این روزها فراتر از حجاب است و نشانه «دینداری سیاسی». عبا و عمامه نشانه‌ای بر نصرت انقلاب اسلامی است.

مخالفان این روزهای نماد آخوندی، مخالفان کارآمدی دین سیاسی‌اند، به همین جهت با اجتماعی شدن طلبه و نزدیک شدنش به متن مردم، دچار حقد و کینه و عصبیت می‌شوند. ماجرای دندون قروچه‌های ناشی از منبربدوشی طلبه‌ها در سیل روشن‌تر نشد؟ او که به آخوند شلیک کرد، پرده آخرِ همین حقود و دشمنی را تصویر کرد. هرچند این جریان جاهلی نمی‌داند، این خون هم نماد قدرت است و تماشاگه اسلام سیاسی.

پ. ن: البته در میان جریان آخوندی نیز برخی وحشت‌زده از خون و آبرو یا با ترویج اباحه‌گری در حال فاصله گرفتن از اسلام فقاهتی و «آیین دینداری سیاسی»اند یا با ترویج فساد سیستمی و ساختاری، مشغول جدا کردن سفره‌شان از «۴۰ سال اسلام سیاسی». اینان نیز در پس قافله خواهند ماند و چه بسا خسر الدنیا و الاخره. آخوندی که منبرش در خدمت حق نباشد در خدمت ظلم است. هر که گریزد ز خراجات شاه/جور کش غول بیابان شود.

آذری جهرمی: تروریسم اقتصادی امریکا در حال تسری به اقتصاد فضای مجازی است!

محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در واکنش به حذف برخی برنامه‌های کسب‌وکار ایرانی در سیستم عامل اندروید، مطلبی را در صفحه توئیتری خود منتشر و تأکید کرد تروریسم اقتصادی امریکا در حال تسری به اقتصاد فضای مجازی است!

گفتنی است طی دو روز اخیر کاربران تلگرام طلایی و هاتگرام در گوشی‌های خود هشدارهایی از سوی گوگل مبنی بر جاسوسی بودن آنها دریافت کردند و دو روز پیش گوگل این دو اپلیکیشن را به صورت خودکار از روی گوشی کاربران حذف کرده است. آذری جهرمی در توئیتر نوشت: گزارش سازمان فناوری اطلاعات حاکی از آن است که حذف برنامه‌های ایرانی در سیستم عامل اندروید صرفاً محدود به پوسته‌های یک پیام‌رسان نبوده است بلکه برخی برنامه‌های کسب و کارهای ایرانی را نیز در برگرفته است. تروریسم اقتصادی امریکا در حال تسری به اقتصاد فضای مجازی است!

گزیده خبر

مدیر کل سیاسی وزارت کشور:

۵۸تشکل اقلیت‌های دینی در کشور فعالیت می‌کنند

مدیر کل سیاسی وزارت کشور گفت: ۵۸تشکل اقلیت‌های دینی شامل ۲۹تشکل در حوزه زرتشتیان، ۱۶تشکل در حوزه ارامنه، ۱۰تشکل از مسیحیان آشوری و سه تشکل مربوط به کلیمیان مجوز فعالیت دارند.

به گزارش فارس، به گفته حمید ملانوری مدیر کل سیاسی وزارت کشور، در ایران تعداد ۲۹تشکل مربوط به زرتشتیان، ۱۶تشکل مربوط به ارامنه، ۱۰تشکل مربوط به مسیحیان آشوری و سه تشکل به جامعه کلیمیان تعلق دارد و در حال فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی هستند.

وی با بیان اینکه برابر ماده ۴ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های صنفی و اقلیت‌های دینی مصوب سال ۱۳۶۰ و قانون جدید ابلاغی سال ۱۳۹۵ تاکنون ۵۸تشکل در این عرصه، مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند، گفت: این انجمن‌ها با هدف حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی اجتماعی و رفاهی اقلیت‌های دینی تاسیس شده‌اند و هر یک به نحوی سرپرستی اموری در حوزه‌های اجتماعی و برگزاری مناسبت‌های دینی و فرهنگی اقلیت‌ها را بر عهده دارند.

مدیر کل سیاسی وزارت کشور اضافه کرد: با توجه به تعداد اقلیت‌های دینی در ایران (حدود ۱۵۰هزار نفر) هموطنان اقلیت‌های دینی به ازای هر ۲هزارو۶۰۰ نفر جمعیت دارای یک انجمن می‌باشند، البته درخواست جدیدی برای مجوز فعالیت واصل نشده است. همچنین به جهت توجه خاص وزارت کشور به حقوق اقلیت‌های دینی و ارتقای سطح هم‌اندیشی و گفت‌وگو با آنان در سال گذشته نمایندگان معاونت سیاسی در ۱۱جلسه هم‌اندیشی با اقلیت‌های دینی در سطوح مختلف شرکت کرده‌اند.

ضرب‌الاجل وزارت کشور به استانداران

وضعیت دوشغله‌ها را ظرف یک ماه آینده تعیین تکلیف کنید

سخنگوی وزارت کشور اعلام کرد کارکنان شاغل در پست‌های مدیریتی و کارشناسی حق عضویت همزمان در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها را ندارند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، سیدسلمان سامانی سخنگوی وزارت کشور با اشاره به بند ۹ تبصره ۲ قانون بودجه سال جاری اظهار داشت: بر اساس این حکم قانونی هیچ یک از استانداران و معاونان آنها حق ندارند به طور همزمان عضو هیئت مدیره شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها اعم از زیرمجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه‌ها باشند.

وی در ادامه افزود: همچنین طبق این تبصره قانون بودجه سال ۹۸ کل کشور عضویت همزمان مقامات موضوع ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و مدیران و معاونان دستگاه‌های اجرایی و به طور کلی کارکنان شاغل در تمامی پست‌های مدیریتی و کارشناسی در مدیریت عاملی و سایر مسئولیت‌های اجرایی و عضویت هیئت مدیره شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها ممنوع شده است.

قائم مقام وزیر کشور در امور مجلس و هماهنگی استان‌ها تصریح کرد: طی مکاتبه‌ای از استانداران خواسته‌ایم نسبت به اجرای این حکم قانونی اهتمام ویژه داشته باشند و نسبت به شناسایی افرادی که دوشغله محسوب می‌شوند اقدام کنند. سامانی تأکید کرد: استانداران مکلف شدند در موعد یک ماهه وضعیت دوشغله‌ها را در تمامی دستگاه‌های اجرایی استان تعیین تکلیف کرده و گزارش آن را به مرکز بازرسی وزارت کشور ارسال کنند.